

ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان: تاریخچه و جریان‌های اصلی تا پایان دهه ۱۹۸۰

حُسام الخطیب*، دانشگاه قطر

ترجمه لاله آتشی**

چکیده

اصل مقاله حُسام الخطیب که به زبان انگلیسی نوشته شده است چکیده ندارد، ولی ما طبق اصول ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی چکیده‌ای به آن افزودیم. یکی از دلایل انتخاب این مقاله برای ترجمه علمی بودن آن است؛ حُسام الخطیب سوری‌تبار و استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه قطر است که اطلاعات جامع و کاملی از وضعیت ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان دارد. دوم آنکه تجربه ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان بسیار شبیه به وضعیت این رشته در ایران است و آشنایی با فراز و نشیب‌های آن می‌تواند برای ما هم که در آغاز راه هستیم راه‌گشا باشد. دلیل سوم این است که این مقاله به قلم یک تطبیق‌گر مطلع مصری است که از نزدیک با چالش‌های ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان آشناست و انتقادی عالمانه و منصفانه دارد. مقاله، به‌طور خلاصه، به بررسی پیدایش و رشد ادبیات تطبیقی و چالش‌های آن در کشورهای عرب‌زبان می‌پردازد. توجه جدی به ادبیات تطبیقی در دنیای عرب از دهه ۱۹۸۰ در مصر آغاز می‌شود. اکثر پژوهشگران ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان دانش‌آموخته دانشگاه‌های فرانسوی بودند و، در نتیجه، بیشتر روش سنتی ادبیات تطبیقی، یعنی یافتن تأثیرات ادبی بین ملل مختلف، را دنبال می‌کردند. از میان نویسندگان فرانسوی، گی‌یار و اتیامبل در کشورهای عربی چهره‌های شناخته‌شده‌تری هستند و مقالات و کتاب‌های آنها بارها به عربی ترجمه شده است. محمد غنیمی هلال تنها پژوهشگر سرشناس مصری است که تأثیر عمیقی در ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان باقی گذاشته است. بهر حال، قلمرو پژوهش‌های ادبیات

* Hussam Al-Khateeb, "Comparative Literature in Arabic: History and Major Tendencies to the 1980s." *Yearbook of Comparative and General Literature*. 41(1993): 12-20

** دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی دانشگاه شیراز

پیام‌نگار: laleh.atashi@gmail.com

تطبیقی در کشورهای عربی به علت کمبود مدرسان متخصص در این رشته عمدتاً از مکتب سنتی فرانسوی فراتر نمی‌رود. به نظر حُسام الخطیب، بسیاری از مقالات و کتاب‌هایی که در این زمینه به عربی نوشته می‌شوند، تنها نامی از ادبیات تطبیقی بر خود دارند و از نظر علمی هیچ ارتباطی با ادبیات تطبیقی ندارند. هلال نیز بسیاری از این کتاب‌ها را سطحی و کم‌مایه می‌داند و با لحنی نکوهش‌آمیز از آنها صحبت می‌کند. به نظر حُسام الخطیب، بسیاری از پژوهشگران عرب با دیدگاهی سنتی و غیرتخصصی به ادبیات تطبیقی می‌نگریستند و آن را فراتر از عمل ساده‌مقایسه نمی‌دانستند. حُسام الخطیب در پایان به نگرش برخی پژوهشگران عرب اشاره می‌کند که با نظریه‌ها و روش‌های نوین ادبیات تطبیقی آشنایی بیشتری دارند و احتمال می‌دهد که این جریان بتواند با چالش‌های ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان روبه‌رو شود و راه را برای گسترش ادبیات تطبیقی در این کشورهای به مثابه رشته‌ای مستقل بگشاید.

ع.ا.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی در مصر، پیدایش ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان، حُسام الخطیب، مکتب سنتی ادبیات تطبیقی، نظریه‌های ادبیات تطبیقی.

همه می‌دانند که ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان سابقه طولانی ندارد. با این وصف، نباید فکر کنیم که در زمینه پیشینه و تحولات این حوزه جوان پژوهش ادبی کاری به زبان عربی نشده است. با اطمینان می‌توان گفت که به‌ویژه تا قبل از دهه ۱۹۸۰ به جز دو یا سه تلاش برای معرفی برخی جنبه‌های پیدایش ادبیات تطبیقی، تقریباً هیچ کاری در این زمینه به زبان عربی صورت نگرفته است.^۱ البته در زبان‌های دیگر هم مطلب مهمی درباره ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان به چشم نمی‌خورد. به

^۱ پیش از دهه ۱۹۸۰، گزارش محمد یوسف نجم تحت عنوان «الأدب المقارن» در *الأدب العربی فی آثار الدارسین* (۱۹۶۱، بیروت) تنها گزارش قابل ذکر است. متأسفانه به‌ندرت به این گزارش توجه شده است. پس از سال ۱۹۸۱ این موضوع بیشتر مورد توجه قرار گرفت. مهم‌ترین گزارش‌ها در این زمینه عبارت‌اند از: حُسام الخطیب، *الأدب المقارن*. دانشگاه دمشق، ۱۹۸۱-۱۹۸۲، جلد ۱: ۹۵-۱۳۳. عطیه عامر، «تاریخ الأدب المقارن فی مصر». *فصول*، شماره ۴، سال سوم، ۱۹۸۳: ۳۱-۳۲. سعید علوش، «و فی الدراسة العربیه المقارنه». این مقاله در ۱۹۸۶ در دومین همایش انجمن ادبیات تطبیقی عرب (ACLA) در دمشق قرائت شد و سپس در سال ۱۹۸۷ در *الأدب الاجنبیه*، شماره ۵۱ و ۵۲، جلد ۱۴، صفحات ۱۶۳-۱۹۰ به چاپ رسید.

عنوان مثال، در *سالنامه ادبیات تطبیقی و ادبیات عمومی*^۱ که به‌طور مرتب گزارش‌هایی درباره تحولات مطالعات تطبیقی در سراسر جهان منتشر می‌کند، در تمام شماره‌ها از ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۵ تنها دو عنوان درباره ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان به چشم می‌خورد.^۲ عنوان اول^۳ (۱۹۵۹) به مطلب باارزشی مربوط می‌شود، درحالی‌که عنوان دوم^۴ (۱۹۶۴) کلی و گمراه‌کننده است و مطلب مورد بحث چیزی نیست جز نقد و معرفی کتاب تطبیقی کم‌حجمی به قلم محمد غنیمی هلال، نویسنده مطلب اول. در دیگر زبان‌های اروپایی، حتی در زبان‌های فرانسه و روسی، نیز تا آنجا که می‌دانم هیچ مطلبی در این زمینه وجود ندارد. با توجه به همه این مسائل، چاره‌ای ندارم جز اینکه در این نوشته بیش از آنچه تمایل داشتم به پیشینه تاریخی این رشته پردازم.

این مقاله، برای رعایت اختصار، صرفاً به بررسی آثاری می‌پردازد که به زبان عربی منتشر شده‌اند، و به آثار پژوهشگران عرب‌زبان در این زمینه در زبان‌های انگلیسی یا فرانسه که تنها زبان‌های خارجی هستند که انتظار می‌رود چنین مطالبی در آنها بیابیم، اشاره نخواهد شد. این آثار که در حوزه نظری مقاله حاضر بسیار اندک‌شمارند، در پژوهش تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان تأثیر ناچیزی داشته‌اند — البته اگر اصلاً تأثیری داشته باشند — هرچند اکثر تطبیق‌گران عرب از دانشگاه‌های غربی فارغ‌التحصیل شده‌اند و غالباً به انگلیسی یا فرانسه می‌نویسند. دامنه محدود این پژوهش بیش از این مجال برای بحث در این باره به ما نمی‌دهد، اما امیدوارم مثالی که اکنون می‌آورم برای روشن کردن موضوع کافی باشد. *دفترهای ادبیات تطبیقی الجزیره* که نخستین شماره آن در ۱۹۶۶ منتشر شد، در تاریخ مطالعات تطبیقی فرانسوی مجله ناشناخته‌ای نیست، ولی در آثار تطبیق‌گران مطرح عرب به‌ندرت به آن اشاره شده است، گو اینکه اولین نشریه ادواری مربوط به ادبیات تطبیقی در جهان عرب بوده و تا سال ۱۹۸۱ نشریه دیگری در این زمینه منتشر نشده است.^۵

^۱ *The Yearbook of Comparative and General Literature*

^۲ دقیقاً به همین دلیل آثار رماک و وایستاین مرا به نوشتن این مقاله تشویق کرد.

^۳ Mohamed Ghonemi Hilal. "Les études de littérature comparée dans la République Arabe Unie". *Yearbook of Comparative and General Literature*. VII. Chapel Hill: 1959, pp. 10-13.

^۴ Gilbert Tutungi. "Comparative Literature in the Arab World". *Yearbook of Comparative and General Literature*. XII. Chapel Hill: 1964, pp. 64-67.

^۵ *Cahiers Algériens de Littérature Comparée*. I. Faculté des Lettres et Sciences Humaines, Alger: 1966.

این مقاله، به طور کلی، به ادبیات تطبیقی به عنوان یک رشته تحصیلی مستقل شامل روش‌شناسی، تاریخچه، مضمون‌شناسی و نظایر آنها می‌پردازد. هرچا لازم باشد، به برخی پژوهش‌های کاربردی اشاره خواهد شد، البته فقط زمانی که حاکی از اطلاع نظری خاصی از این رشته باشند.

۲

۲.الف. ریشه واژه «قَرَن» (مقایسه) در زبان عربی بسیار آشنا و غنی است و در پژوهش‌های ادبی مدرن نیز بسیار به کار می‌رود. دلیل این امر شاید روابط متنوع ادبیات عرب با ادبیات مختلف جهان مدرن باشد. اصطلاح تخصصی «ادبیات تطبیقی» نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۳۰ در مصر به کار رفت، اما سال‌ها پیش از آن نیز مقایسه — به‌ویژه مقایسه غرب و شرق — در مطالعات ادبی رواج داشته است. در واقع، آثار پیشگامان نهضت ادبیات تطبیقی، مانند رفاعه الطهطاوی، ادیب اسحاق، احمد فارس الشدیاق، نجیب الحداد، سلیمان البستانی و روحی الخالدی — در کنار آثاری که متعاقباً در دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ نگاشته شد — دست‌کم از دو جنبه در پیدایش این رشته نقش مؤثری داشته‌اند:

۱) آنان در اوایل کار تلاش کردند تا توجه محافظه‌کارانی را که مخالفتشان دور از انتظار نبود به نظریه تأثیر و ارتباط متقابل جلب کنند. این نظریه را پیشگامان نهضت در فضایی مطرح می‌کردند که در آن سنت‌گرایی ادبی و احساس برتری دست‌کم در قلمرو شعر غالب بود. در میان این پیشگامان، الخالدی و البستانی سخت طرفدار مطالعه تأثیرات و روابط ادبی بودند، و در نتیجه روند فکری آنان به رشته ادبیات تطبیقی از همه نزدیک‌تر بود.^۲

^۱ نهضة الادب المقارن

^۲ درباره البستانی مطالب بسیار به زبان عربی نگاشته شده، ولی نقش الخالدی در ادبیات تطبیقی عرب چندان شناخته نبود تا اینکه من در مقالات متعدد و نیز یک کتاب نظرها را به سوی او جلب کردم. منابع زیر به زبان انگلیسی درباره او در دسترس است:

Wajih Fanus. "Sulayman al-Bustani and Comparative Literary Studies in Arabic". *Journal of Arabic Literature*. XVII. 1986, pp. 105-117.

H. Al Khateeb. "Ruhi al-Khalidi, A Pioneer of Comparative Literature in Arabic". *Journal of Arabic Literature*. XVIII. 1987: 81-87.

۲) الخالدی و البستانی با ارائه مستندات کافی ثابت کردند که دامنه روابط خارجی ادبیات مدرن عرب به مراتب گسترده‌تر از آن است که در گذشته تصور می‌شده و این دامنه وسیع نیازمند روش جدیدی در مطالعات ادبی است.

۲.ب. مقاله عطیه عامر با عنوان «تاریخ ادبیات تطبیقی در مصر» که در سال ۱۹۸۳ منتشر شده است^۱، تاکنون یکی از منابع اصلی درباره اصطلاح «ادبیات تطبیقی» در زبان عربی به شمار می‌آید. در این پژوهش پیشگام درباره تاریخچه این رشته، عامر از فخری ابوالسعود به عنوان اولین پژوهشگری نام می‌برد که از اصطلاح «ادبیات تطبیقی» استفاده کرده است، و به مقاله‌ای از او با عنوان «درباره ادبیات تطبیقی: تأثیرات خارجی در ادبیات عربی و انگلیسی»^۲ اشاره می‌کند که در ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۶ در *الرساله* منتشر شده است. این توضیح همچنان معتبر بود تا اینکه نگارنده در سال ۱۹۸۸، حین نگارش مقاله حاضر، فرصت یافت تا مجموعه کامل *الرساله* را بررسی کند. در این بررسی، مشخص شد که در همان سال، پیش از مقاله ابوالسعود، مقاله‌ای در چهار بخش به قلم خلیل هنداوی با عنوان «پرتوی نوین بر جنبه‌ای خاص از ادبیات عربی: تعامل اعراب با ادبیات تطبیقی از طریق تلخیص بوطیقایی ارسطو توسط ابن رشد، فیلسوف عرب»^۳ در *الرساله* به چاپ رسیده است. با مقایسه این دو عنوان و این دو مقاله به نتایج زیر رسیدم:

- ۱) هنداوی را باید از نظر زمانی پیشگام محسوب کرد، چون مقاله او در هشتم ژوئن ۱۹۳۶ منتشر شد. در حالی که مقاله ابوالسعود سه ماه بعد، یعنی در ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۶، به چاپ رسیده است.
- ۲) از نظر روش‌شناسی نیز هنداوی بر ابوالسعود تقدم دارد، چون در مقدمه مقاله‌اش به تحلیل اصطلاح «ادبیات تطبیقی» [littérature comparée] پرداخته

^۱ نک. پانوش شماره ۱، صفحه ۱. مقاله عامر اولین بار در همایش مقدماتی ادبیات تطبیقی عربی قرائت شد و سپس در گزارش همان همایش در سال ۱۹۸۳ در عنابه در الجزایر به چاپ رسید.

^۲ فخری ابوالسعود. «فی الأدب المقارن، الأثر الأجنبي فی الأدبین العربی و الانجلیزی». *الرساله*. شماره ۱۶۸، سال چهارم، ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۶: ۱۵۳۴-۱۵۳۵.

^۳ *الرساله*. مجلد ۴، شماره ۱۵۳، ۸ ژوئن ۱۹۳۶: ۹۳۸.

است. تا زمانی که شواهد جدیدی به دست نیامده، مقدمه هندای را می‌توان به‌درستی اولین نشانه آگاهی اعراب از این رشته نو به حساب آورد. این مقدمه، در واقع، نشانه آگاهی از تمایز است. هندای با دیدگاهی تقریباً عینی به اهمیت رویکرد تطبیقی بین ادبیات مختلف اشاره می‌کند و می‌گوید که اعراب در این زمینه تجربه محدودی دارند و اثر ابن رشد درباره بوطیقای ارسطو را به عنوان نمونه برجسته آن برمی‌شمارد. او توجه خوانندگان را به مقایسه‌های درون و برون‌مرزی جلب می‌کند و در نهایت از پژوهشگران عرب می‌خواهد که در این مسیر گام بردارند و تصور برتری مطلق ادبیات عرب را از سر بیرون کنند. هندای درباره اصطلاح «ادبیات تطبیقی» نیز سخن می‌گوید و خواهان وضع واژه یا اصطلاح بهتری برای این رشته می‌شود، مانند «ادبیات از طریق مقایسه» یا «مطالعه ادبیات بر مبنای مقایسه»^۱.

ابوالسعود از اصطلاح «ادبیات تطبیقی» فقط در عنوان‌های فرعی مقاله مذکور و چند مقاله دیگر استفاده کرده و در متن نوشتار خود هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است. پس از پژوهش‌های دقیق، به این نتیجه رسیدم که عنوان فرعی «ادبیات تطبیقی» را سردبیر مجله *الرساله* به مقاله ابوالسعود افزوده است، چون به‌ندرت پیش می‌آمد که مقاله‌ای را به چاپ برساند و آرایه‌های ویرایشی از قبیل «در ادبیات عرب»، «در ادبیات، داستان و نمایشنامه فارسی و عربی» بدان نیفزاید.

البته شواهد دیگری نیز در دست است که نشان می‌دهد روایت عطیه عامر عاری از قضاوت‌های عجولانه نیست. در مثل، به گفته عامر، آخرین بخش مقاله ابوالسعود با عنوان فرعی «ادبیات تطبیقی» در پایان سال ۱۹۳۶ منتشر شده است، در حالی که آخرین بخش مقاله او با عنوان «شبهات و تفاوت ادبیات عربی و ادبیات انگلیسی» در ۲۷ ژوئن ۱۹۳۷ منتشر می‌شود.^۲ معلوم نیست که سردبیر *الرساله* به چه دلیل پس از انتشار این مقاله دیگر از عنوان فرعی «ادبیات تطبیقی» استفاده نمی‌کند و این اصطلاح تا سال ۱۹۵۳ که انتشار *الرساله* در پی انقلاب سال ۱۹۵۲ در مصر برای نخستین بار متوقف شد، کاملاً از این نشریه حذف می‌شود.

^۱ همان

^۲ «التشابه و الاختلاف فی الادبیین العربی و الانجلیزی»، *الرساله*. مجلد ۵، شماره ۲۰۸، ۲۸ ژوئن ۱۹۳۷: ۹۳۸.

البته می‌دانم که این قبیل نتیجه‌گیری‌های تاریخی بحث‌های پرتنش و تأمل‌انگیز به دنبال دارد. در تأیید نتایج به‌دست‌آمده و در تکمیل تحقیقاتم دربارهٔ تاریخچهٔ این اصطلاح در کشورهای عرب‌زبان باید به چند نکتهٔ دیگر نیز اشاره کنم که پس از بررسی مهم‌ترین مجله‌های ادبی عرب‌زبان قرن بیستم به آنها پی بردم:

- در هیچ‌یک از عناوین مقالات *مجلة المقتطف* (۱۸۷۶-۱۹۵۲) اصطلاح «ادبیات تطبیقی» به چشم نمی‌خورد.
- این اصطلاح در سال ۱۹۴۱ در *مجلة الثقافة*، *رقیب الرساله*، باز هم در عناوین فرعی و خیلی به‌ندرت به کار رفته است.
- در اواخر دههٔ ۱۹۴۰ بود که این اصطلاح به صفحات مجلات ادبی بازگشت، ولی حضوری بسیار کم‌رنگ داشت. در میان مقالات درخشان دههٔ ۱۹۴۰، می‌توان به دو مقاله به قلم اتیامبل اشاره کرد که به طور اختصاصی برای ماهنامهٔ *روشنفکری الکاتب المصری* نگاشته بود که بنیان‌گذار و سردبیرش طه حسین بود.^۱ انتشار دومین مقالهٔ اتیامبل (۱۹۴۸) با چاپ اولین کتاب عربی با عنوان «ادبیات تطبیقی» مقارن شد که در زیر به بررسی آن می‌پردازیم. با وجود پیشرفت نسبی رشتهٔ ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های عربی پس از دههٔ ۱۹۵۰، مجلات عربی علاقهٔ چندانی به آن نشان نداده‌اند. در مثل، *مجلة الادب* که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از ماهنامه‌های مهم ادبی در جهان عرب به شمار می‌رفت، به این رشته توجهی نشان نمی‌دهد. در اواسط دههٔ ۱۹۷۰، ذوق و شوقی در این زمینه در مجلات مشاهده می‌شود، به‌ویژه در دمشق که این رشته ابتدا در *مجلة المعرفة* و سپس در *الادب الاجنبی* تا حدودی مورد توجه قرار می‌گیرد، و پس از آنها *مجلة فصول* در قاهره به این رشته توجه می‌کند. از اواخر دههٔ ۱۹۷۰، برخی از مجلات مهم عرب — مانند *فصول* (قاهره)، *عالم الفكر* (کویت)، *الادب الاجنبی*، *المعرفة*، و *الموقف الادبی* (دمشق) — ویژه‌نامه‌هایی دربارهٔ ادبیات تطبیقی منتشر می‌شود. در دههٔ ۱۹۸۰ نیز کم‌کم

^۱ اولین مقاله در سال ۱۹۴۷ به چاپ رسید، درحالی‌که مقالهٔ دوم «Renouveau de la littérature comparée» که مهم‌تر است، در سال ۱۹۴۸ منتشر شد: رنه اتیامبل. «تجدید حیات ادبیات تطبیقی» (ترجمهٔ عربی). *الکاتب المصری*. مجلد ۷، شماره ۲۸، ژانویه ۱۹۴۸: ۶۴۶-۶۴۹.

بحث‌هایی در صفحات ادبی روزنامه‌ها منتشر می‌شد که از گرایش روزافزون عموم مردم به ادبیات تطبیقی خبر می‌دهد. در سال ۱۹۸۱، اولین مجله عربی با عنوان «ادبیات تطبیقی» منتشر می‌شود: *الف/ مجله بوطیقای تطبیقی* (قاهره). اما مقالات این مجله، دست‌کم تا سال ۱۹۸۷، حاکی از عدم اشراف نویسندگان به این رشته دانشگاهی است.^۱

۲.ج. ولی جایگاه واقعی ادبیات تطبیقی در جهان عرب، همچون غرب، همواره دانشگاه‌ها بوده است، نه نشریات ادبی. به گفته عطیه عامر، عقیده بر این است که استفاده تخصصی از واژه «تطبیقی» در سال ۱۹۲۴ در دارالعلوم قاهره و با تأسیس یک دوره جدید آموزش زبان با عنوان «زبان‌های عبری و سوری، و مقایسه آنها با زبان عربی» آغاز شد. در سال ۱۹۳۸، در همان نهاد، درس جدیدی مشخصاً با عنوان «ادبیات تطبیقی عربی» ارائه شد که فقط در دوره‌های تخصصی — یعنی برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری — تدریس می‌شد. ادبیات تطبیقی تا سال ۱۹۴۵ هنوز به طور کامل در دارالعلوم شناخته نشده بود؛ در این تاریخ بود که به عنوان درسی مستقل برای دانشجویان سال‌های سوم و چهارم زبان عربی در بخشی تازه تأسیس به نام «بخش ادبیات تطبیقی، نقد و ریطوریکا» ارائه شد. ابراهیم سلامه به یاری عبدالرزاق حمیده ریاست این بخش را بر عهده گرفت. بعدها، هر یک از آنها یک کتاب درسی در زمینه ادبیات تطبیقی برای استفاده دانشجویان منتشر کرد، و بدین ترتیب آنها اولین پژوهشگران عرب بودند که کتاب‌هایی با عنوان *ادبیات تطبیقی* به چاپ رساندند. دیگر دانشگاه‌های مصر نیز همین شیوه را در پیش گرفتند، اما احتمالاً به دلیل نبود مدرسان متخصص پیشرفت چشمگیری نداشتند.^۲ سایر دانشگاه‌های عرب در خارج از مصر علاقه چندانی به ارائه این درس جدید نشان نمی‌دادند. در مثل، گروه زبان عربی در دانشگاه دمشق این درس را در سال ۱۹۷۱ ارائه کرد، در حالی که این درس ده سال بعد در گروه زبان انگلیسی این دانشگاه ارائه شد.

^۱ در این مجله، حتی یک مقاله هم درباره جنبه‌های نظری ادبیات تطبیقی به چشم نمی‌خورد. حتی پژوهش‌های کاربردی هم از اشراف به این رشته خبر نمی‌دهد. *الف* فصلنامه‌ای دوزبانه (عربی-انگلیسی) است، اما تیراژ آن بسیار پایین است.

^۲ عطیه عامر. «تاریخ الأدب المقارن فی مصر». ص ۱۳-۲۲.

به نظر می‌رسد که پس از سال ۱۹۸۰ گرایش به ادبیات تطبیقی روز به روز بیشتر شده و با توجه به نشانه‌های موجود می‌توان گفت که ادبیات تطبیقی احتمالاً به‌زودی، دست‌کم در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، به یکی از رشته‌های تخصصی پُرطرفدار ادبیات تبدیل خواهد شد. در اینجا، خلاصه‌ای از یافته‌های خود را از پژوهشی جدید در این زمینه ارائه می‌کنم که هنوز به عربی منتشر نشده است.^۱

گروه‌های زبان عربی

- برنامه آموزشی استاندارد فرانسوی الگوی بیشتر دانشگاه‌های عربی بوده است. در این دانشگاه‌ها، ادبیات تطبیقی به عنوان یکی از دروس پایه به‌طور متوسط هفته‌ای دو ساعت در طول سال تحصیلی به دانشجویان سال چهارم ارائه می‌شود (دانشگاه‌های مصر، سوریه، سودان، الجزیره و غیره).
- در دانشگاه‌های مدرن‌تر، «ادبیات تطبیقی» درسی اختیاری است که به‌طور متوسط دو ساعت در هفته در طول سال تحصیلی ارائه می‌شود (کویت و بحرین).
- در دو دانشگاه عربی — دانشگاه امام م. ابن‌سعود در ریاض و دانشگاه نجاح در ناپلس — دست‌کم تا سال ۱۹۸۳ درس ادبیات تطبیقی ارائه نشده است.
- منابع مهمی که استفاده از آنها در گروه‌های عربی توصیه می‌شود:
 - (۱) شناخته‌ترین منبع کتاب ادبیات تطبیقی به قلم محمد غنیمی هلال (در بسیاری موارد در کنار سایر کتاب‌های او) است.
 - (۲) منبع مهم بعدی ترجمه عربی کتاب ادبیات تطبیقی^۲ به قلم پل وان تیگم است (از این کتاب دو ترجمه عربی موجود است و هر دو مترجم آن سوری هستند).
 - (۳) پس از اینها، کتاب‌های درسی تألیف استادان مربوط به این رشته است که دانشگاه به چاپ رسانده است.

^۱ این اطلاعات از سالنامه‌های دانشگاه‌های مربوط یا از پاسخ‌های پرسش‌نامه‌ای که نگارنده تهیه کرده بود به دست آمده است.

^۲ *La Littérature comparée*

۴) در موارد اندکی، مطالعه‌ی مطالبی به زبان‌های خارجی نیز به دانشجویان توصیه می‌شود.

گروه‌های انگلیسی و فرانسه

در دانشگاه‌هایی که ساختار سنتی دارند، هیچ درسی تحت عنوان ادبیات تطبیقی ارائه نمی‌شود و «ادبیات جهان» در این دانشگاه‌ها نام آشناتری است، گو اینکه اخیراً بسیاری از گروه‌های زبان انگلیسی و فرانسه (در دانشگاه‌های سوریه) به استفاده از عنوان «ادبیات تطبیقی» تمایل نشان می‌دهند. بسیاری از گروه‌های زبان انگلیسی در ابتدا از دانشگاه‌های انگلیس الگوبرداری کرده‌اند و در نتیجه مدت‌ها طول کشید تا از عنوان «ادبیات تطبیقی» استفاده کنند؛ درحالی‌که برخی گروه‌های زبان فرانسه (مثلاً در دانشگاه دمشق) خیلی زودتر ادبیات تطبیقی را در برنامه‌ی درسی خود جای دادند. با این وصف، در دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه قطر و برخی دانشگاه‌های منطقه‌ی خلیج فارس هنوز در گروه‌های زبان انگلیسی درسی با عنوان ادبیات تطبیقی ارائه نمی‌شود.

۵.۲. البته تألیف کتاب نتیجه‌ی عوامل و نیازهای مختلف است. به همین دلیل، اولین کتاب با موضوع ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان تا سال ۱۹۴۸ به چاپ نرسید. در این سال بود که با انتشار دو مقاله‌ی تخصصی از ایتامبل که پیش‌تر به آنها اشاره شد، و نیز چاپ دو کتاب هر دو با عنوان *ادبیات تطبیقی پیشرفت چشمگیری در این زمینه به وجود آمد.*

در اولین کتاب که به قلم نجیب العقیقی است^۱، «ادبیات تطبیقی» از عنوان کتاب فراتر نمی‌رود، و در متن کتاب هیچ ارتباط منطقی با ادبیات تطبیقی احساس نمی‌شود. این کتاب شامل دو قسمت است. قسمت اول مجموعه‌ای از مقالات درباره‌ی مسائل فن شعر است، مانند زیبایی، احساس، تخیل، الهام شاعرانه؛ و در قسمت دوم درباره‌ی موضوعات فن شعر عربی، مانند عشق، توصیف و مدح بحث شده و به برخی مکاتب هنری نیز به اختصار اشاره شده است. عنوانی مانند «اصول ابتدائی نقد شعر» به مراتب برای این کتاب مناسب‌تر می‌بود و ذهن را کمتر منحرف می‌کرد. با تمام این اوصاف،

^۱ نجیب العقیقی. *من الأدب المقارن* (درباره‌ی ادبیات تطبیقی). قاهره: ۱۹۴۸. این کتاب بعدها بسط داده شد و در ۱۹۷۵ در سه جلد همراه با زندگینامه‌ی ادبی مفصل شخصیت‌های مشهور ادبی اروپا در قاهره منتشر شد.

این کتاب دو بار تجدید چاپ شده است. ویراست سوم کتاب العقیقی که حجم آن به ۴۳۹ صفحه افزایش یافته، آمیزه‌ای ناهمگن و بی‌سامان از ادبیات خارجی و عربی است و، از آن بدتر، نه فهرست منابع دارد، نه فهرست مطالب.

در کتاب دوم به قلم عبدالرزاق حمیده^۱ چند شعر عربی با برخی اشعار مشابه به زبان‌های انگلیسی و فرانسه مقایسه شده است. عبدالرزاق حمیده عمدتاً بر شباهت‌ها تکیه می‌کند تا تفاوت‌ها و از مقایسه سطحی درون‌مایه اشعار فراتر نمی‌رود، گویی ادبیات فقط به مضامین و موضوع‌ها محدود می‌شود. غنیمی هلال در ارزیابی خود این کتاب را بسیار سطحی تشخیص داده است.^۲

سومین کتاب درسی عربی با موضوع ادبیات تطبیقی را ابراهیم سلامه با عنوان *جریان‌های ادبی بین شرق و غرب: طرح و بسط ادبیات تطبیقی*^۳ در سال ۱۹۵۱ به چاپ رساند. مقدمه سلامه نشان می‌دهد که اندیشه‌های نویسنده درباره پیدایش این رشته جدید تا چه اندازه مغشوش و نابسامان است. غنیمی هلال و عطیه عامر با لحنی نکوهش‌آمیز درباره این کتاب صحبت می‌کنند و بر اساس تعاریف مکتب فرانسه معتقدند که ابراهیم سلامه هیچ تخصصی در این رشته ندارد. درحالی‌که محمد یوسف نجم از مورخان برجسته ادبیات مدرن عرب با لحنی ستایش‌آمیز از این کتاب یاد می‌کند، احتمالاً به این دلیل که سلامه در آن زمان در سلسله مراتب ادبی دانشگاهی جایگاهی ممتاز داشت. آشفستگی و نابسامانی این کتاب‌های پیشگام نشان می‌دهد که درک موضوع ادبیات تطبیقی در دنیای عرب تا چه حد مغشوش و شمار متخصصان این رشته و تأثیر آنان به چه میزان محدود بوده است.

با انتشار کتاب معروف محمد غنیمی هلال — *الأدب المقارن* — در سال ۱۹۵۳، مرحله جدیدی در حوزه ادبیات تطبیقی آغاز شد. این کتاب که تا کنون بیش از ده بار تجدید چاپ شده، تا به امروز مهم‌ترین منبع در زمینه ادبیات تطبیقی در بیشتر دانشگاه‌های عربی است. تأثیر این کتاب به حدی بوده است که مفهوم سنتی ادبیات

^۱ عبدالرزاق حمیده. *فی الأدب المقارن (درباره ادبیات تطبیقی)*. قاهره: ۱۹۴۸.

^۲ "Les études de littérature comparée dans la République Arabe Unie", p. 11.

^۳ ابراهیم سلامه. *تيارات أدبية بين الشرق والغرب، خطة و دراسة فی الأدب المقارن*. قاهره: ۱۹۵۱.

تطبیقی که وان تیگم مطرح می‌کرد، تا همین اواخر اصل عقیدتی رسمی نهادهای دانشگاهی در جهان عرب بود.

در دهه ۱۹۷۰، کانون فعالیت در زمینه ادبیات تطبیقی از قاهره به بیروت منتقل شد. در بیروت، هر دو سال یک کتاب درسی جدید درباره ادبیات تطبیقی منتشر می‌شد که از لحاظ مفهومی تفاوت چندانی با هم نداشتند. در دهه ۱۹۸۰، بغداد و دمشق و جده هم به عرصه رقابت وارد شدند و میزان متوسط انتشار کتاب در حوزه ادبیات تطبیقی به سالی یک کتاب رسید و مخالفت‌هایی نیز با مفهوم سنتی ادبیات تطبیقی مطرح شد.^۱

۳

۳.الف. توصیف جایگاه ادبیات تطبیقی در جهان عرب بدون اشاره به نقش ترجمه بی‌تردید جامع و کامل نخواهد بود، دست‌کم به این دلیل که بیشتر کتاب‌های درسی عربی ترجمه‌های آزاد یا اقتباس از منابع فرانسوی هستند. ادبیات تطبیقی نوشته پل وان تیگم نخستین کتابی است که در این حوزه ترجمه شده است و هرچند نام مترجم و زمان و مکان ترجمه آن مشخص نیست، اما به احتمال زیاد دکتر سامی الدروبی آن را ترجمه کرده و در سال ۱۹۴۸ در قاهره منتشر شده است. بی‌نام و نشان بودن این ترجمه باعث شد که جزو اموال عمومی به شمار آید و بارها در قاهره و بعدها در دیگر پایتخت‌های عربی منتشر شود. الحسامی این کتاب را در دهه ۱۹۸۰ بار دیگر ترجمه کرد و در بیروت به چاپ رساند. تأثیر وان تیگم در حوزه ادبیات تطبیقی در جهان

^۱ من احتمالاً اولین نویسنده عرب هستم که جزئیات مباحث تئوریک و چهارچوب‌های ادبیات تطبیقی را به خوانندگان عرب معرفی کرده‌ام و این کار البته از زمانی آغاز شد که در سال ۱۹۷۶ در هشتمین همایش انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی در بوداپست شرکت کردم. بعدها که درباره موضوع آن همایش در تلویزیون، رادیو و مطبوعات سوریه با من مصاحبه شد، مشتاق بودم که ماهیت مباحث تئوریک را شرح دهم. بعدها سه مقاله در *المعرفه* به چاپ رساندم و در این مقاله‌ها تفاوت‌ها را به اختصار بررسی کردم و دیدگاه رماک را به تفصیل شرح دادم و ترجمه قسمت‌هایی از مقاله معروف او و ضمیمه آن را که به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ به چاپ رسیده بود، در مقالات خود گنجاندم. عنوان این مجموعه مقالات «ادبیات تطبیقی در کشاکش تعصبات روش‌شناختی و آزادی عمل انسانی» بود که در سال ۱۹۷۹ در شماره‌های ۲۰۴ تا ۲۰۷ *مجله‌المعرفه* منتشر شد. بعدها این مقاله‌ها را بسط دادم و در کتابم درباره ادبیات تطبیقی که در پانوش ۱، صفحه ۱ به آن اشاره شده، منتشر کردم.

عرب تا به امروز بسیار چشمگیر بوده است و شاید با تأثیر غنیمی هلال برابر یا حتی از تأثیر او نیز بیشتر باشد. گذشته از همه اینها، وان تیگم «استاد» است، پژوهشگری خارجی است که حوزه پژوهشی او نیز یک رشته خارجی است، و شاگرد و استاد هر دو یک موضوع را مورد پژوهش قرار می‌دهند. در ۱۹۵۶، ترجمه کتاب *ادبیات تطبیقی* نوشته گی‌یار^۱ در قاهره منتشر شد، ولی به دلیل کیفیت نازل ترجمه عربی و غلط‌های چاپی بی‌شمار با استقبال گرمی روبه‌رو نشد. طی سه دهه بعد، چند مقاله ترجمه‌شده در حوزه ادبیات تطبیقی در نشریات ادواری عربی به چاپ رسید و دو یا سه کتاب نیز در دهه ۱۹۸۰ ترجمه و منتشر شد. مبنای ترجمه‌های اخیر غالباً منابع انگلیسی بود، نه منابع فرانسوی. در زیر، فهرست منتخبی از این ترجمه‌ها را می‌بینید:

ادبیات تطبیقی. پل وان تیگم. قاهره: ۱۹۴۸.

ادبیات تطبیقی. م. ف. گی‌یار. قاهره: ۱۹۵۶.

«ادبیات عمومی، ادبیات تطبیقی و ادبیات ملی». در: *نظریه ادبیات*. رنه ولک و آستین وارن.^۲ دمشق: ۱۹۷۳.

«ادبیات تطبیقی، تعریف و کارکرد». هنری رماک. در: *ادبیات تطبیقی، روش و دیدگاه*.^۳ دمشق: ۱۹۷۹.

«تأثیر و تقلید». اولریچ وایستاین. در: *ادبیات تطبیقی و نظریه ادبی: سیر و مقدمه*.^۴ قاهره: ۱۹۸۳.

انکسارات: مقالاتی در باب ادبیات تطبیقی. هری لوین.^۵ دمشق: ۱۹۸۰.

مطالعات ادبیات تطبیقی: مقدمه. اس. اس. پرائر.^۶ دمشق: ۱۹۸۶.

^۱ M. F. Guyard. *La Littérature comparée*

^۲ René Wellek and Austen Warren. "General, Comparative and National Literature", in *Theory of Literature*.

^۳ H. Remak. "Comparative Literature, its Definition and Function". in *Comparative Literature: Method and Perspective*.

^۴ U. Weisstein. "Influence and Imitation". from *Einführung in die Vergleichende Literaturwissenschaft*.

^۵ Hary Levin. *Refractions: Essays on Comparative Literature*.

^۶ S. S. Praver. *Comparative Literary Studies: an Introduction*.

^۷ در این منابع، تاریخ و مکان انتشار ترجمه‌های عربی این آثار ذکر شده است. در اواخر دهه ۱۹۸۰ که عراق نیز به تلاش‌های مصر و سوریه پیوست، بسیاری ترجمه‌های دیگر نیز به چاپ رسید.

برای تکمیل این تصویر باید چند نکته مهم دیگر را نیز شرح دهیم که بحث درباره آنها نیازمند روش تاریخی نیست. چون این نکات به هم مربوطاند، برای پرهیز از اطناب آنها را بر اساس طبقه‌بندی زیر مورد بحث قرار می‌دهیم:

- مباحث و موضوعات رایج؛
- مباحث مربوط به ایدئولوژی و روش تحقیق؛
- موقعیت کنونی.

از دیدگاه نظری، ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان کم‌وبیش درگیر همان دغدغه‌هایی است که ذهن پژوهشگران غربی را به خود مشغول داشته: دشواری ارائه تعریف مناسب از این رشته، مرزهای شناسی و در نتیجه پیام ویژه آن، سردرگمی بین تاریخ ادبی و نقد، ارزش‌داوری، مسئله زیباشناختی، و مانند اینها. اما باید تصریح کرد که این مسائل در اواخر دهه ۱۹۷۰ با انتشار دیدگاه‌های امریکایی در این زمینه و نقد ایتامبل به همکاران فرانسوی خود مطرح شد.^۱

تا پیش از دهه ۱۹۷۰، احتمالاً به دلیل جایگاه مطمئن هلال و دیگر شاگردان وان تیگم و گی‌یار، هیچ نشانی از این مباحث در کشورهای عرب‌زبان وجود نداشت. بهتر است در مورد موقعیت این دانشجویان مشتاق با عدالت قضاوت کنیم و فراموش نکنیم که آنها در گرودار نبردی دشوار با دیدگاهی سنتی و غیرتخصصی بودند که ادبیات تطبیقی را فراتر از عمل ساده مقایسه نمی‌دانست. از سوی دیگر، آنها سعی داشتند که هویت و استقلال نسبی این رشته جدید را در نهادهای دانشگاهی تثبیت کنند، آن‌هم در زمانی که دروس جدید متعدد سخت در رقابت بودند تا، در پاسخ به ضرورت‌های مدرن‌شدن، برای خود جایی در برنامه آموزشی دانشگاه‌ها بیابند. به‌هرحال، بحث نظری درباره این رشته هنوز در مراحل ابتدائی است و نباید بیش از اندازه بر آن تأکید کرد. مباحث نظری مربوط به این رشته، جدا از یکی دو کتاب، فقط در چند نشریه ادواری مطرح شده و هنوز به‌صورت جریان‌ها یا عقاید منسجم تبلور نیافته است.

^۱ به‌عنوان مثال، می‌توان به مقاله جمال شحید درباره ایتامبل در ضمیمه فرهنگی *الثوره* اشاره کرد که در اول ژانویه ۱۹۷۷ (مجلد دوم، شماره ۲۷) در دمشق به چاپ رسید.

مطالعات کاربردی در حوزه ادبیات تطبیقی اقبال بیشتری داشته‌اند. پیچیدگی تأثیرات خارجی که در شکل‌گیری ادبیات مدرن عرب نقش داشته‌اند، پژوهشگران و مورخان ادبی را بر آن داشته تا بنا به ضرورت به موضوعات پُر تب و تاب‌ی همچون واکاوی تأثیرات، مطالعه راه‌های پذیرش، بررسی ترجمه‌های ادبی و مسئله فرهنگ‌پذیری بپردازند و، مهم‌تر از همه، چالش میان میراث ادبیات عرب و ادبیات «وارداتی» را در فرهنگ مدرن عرب مورد بحث قرار دهند، چالشی که اغلب از آن به عنوان تضاد بین اصالت و مدرنیته^۱ یاد می‌شود. برخی موضوعات ویژه تطبیقی نیز برای پژوهشگران عرب بیشتر از موضوعات سنتی از قبیل سفرها، تصاویر، واسطه‌ها، و پذیرش برخی نویسندگان یا موضوعات جذابیت دارد. در میان این موضوعات جذاب می‌توان به مکاتب و انواع ادبی، و به‌ویژه پیدایش آنها در ادبیات مدرن عرب اشاره کرد. علاوه بر این، آنچه ذهن پژوهشگران معاصر عرب را به خود مشغول داشته جهان‌شمولی ادبیات و امکان مطرح شدن ادبیات عرب در سطح بین‌المللی بدون از دست دادن هویت یا رنگ و بوی بومی است. ارتباط ادبیات عرب با ادبیات غرب و نیز ادبیات مدرن و کهن اسلامی موضوعی آشناست. مطالعه تأثیرات، به طور کلی، کانون مطالعات تطبیقی کاربردی در کشورهای عرب‌زبان به شمار می‌آید.

امروزه در جهان عرب، مباحثات ایدئولوژیک بر تمام جنبه‌های زندگی فرهنگی سایه افکنده و ریشه کوچک‌ترین بحث‌ها به یکی از سه قطب مباحث ایدئولوژیک می‌رسد، یعنی اسلام، مارکسیسم یا ادبیات کهن عرب. ادبیات تطبیقی به دلیل ذات جهان‌شمول و اصول انعطاف‌پذیرش عرصه‌ای مطلوب برای تقابل‌های ایدئولوژیک است. بنابراین، به محض آنکه ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان در اواخر دهه ۱۹۷۰ به خارج از کلاس‌های دانشگاه راه یافت، سؤالات شبهه‌انگیز زیادی درباره پیام و اهداف آن مطرح شد، سؤالاتی پیشاپیش شکل گرفته که هدفشان نه شناخت این رشته که ارزیابی آن با نگاهی ایدئولوژیک بود. نویسندگان چپ‌گرایی که سعی داشتند نشان دهند که نظریه فرانسوی ادبیات تطبیقی اروپامحور و گرفتار میهن‌پرستی افراطی بوده است، به طور التقاطی و نه روشمند از نظریه‌های ایتامبل سود می‌جستند. مسئله تأثیرات دائماً مورد حمله قرار می‌گرفت تا آنجا که در دومین همایش انجمن ادبیات تطبیقی

^۱ "problematic" of autochthony (al-assalah) and modernity (al-mu'asarah)

عرب^۱ که در سال ۱۹۸۶ در دمشق برگزار شد، سخنان برگزارکننده همایش، زمانی که توضیح می‌داد چرا اکثر سخنرانی‌ها به مقوله تأثیر اختصاص دارد، بیشتر به عذرخواهی محکومی در دادگاه می‌مانست. او سپس ناچار شد با لحنی ملتمسانه از حضار خواهش کند که بین بحث بی‌طرفانه درباره تأثیر و تبلیغ و حمایت از آن اندکی تفاوت قائل شوند.^۲ پژوهشگران دارای گرایش‌های اسلامی نیز طبیعتاً به مقوله تأثیر اعتراضاتی دارند و، از آن بدتر، خواستار تمرکز پژوهشگر بر روابط اسلامی در ادبیات عرب هستند. نظریه‌های امریکایی نیز، به رغم انعطافشان، از اقبالی که شایسته چنین انعطافی است برخوردار نشده‌اند، احتمالاً به این دلیل که دنباله همان اروپامحوری غربی به حساب می‌آیند.

اخیراً، هم در شماره‌های ویژه نشریات ادبی عربی و هم در همایش‌های انجمن ادبیات تطبیقی عرب، بحث‌هایی درباره امکان شکل گرفتن یک دیدگاه تطبیقی عربی به راه افتاده است. تجربه ویژه فرهنگ کلاسیک عربی و همچنین ادبیات مدرن عرب در جذب و همگون‌سازی ایده‌های خارجی، الهام‌بخش این مباحث است. آرمان سراسری جهان عرب برای ترکیب گذشته و حال به تلاش برای یافتن چنین دیدگاهی مشروعیت می‌بخشد. البته قضاوت درباره اعتبار چنین انتظاراتی در عرصه ادبیات تطبیقی خیلی زود است، ولی شاید بتوان گفت که این انتظارات حاکی از رویکرد جدی اعراب به پژوهش تطبیقی است که رویکردی مناسب‌تر برای پرداختن به مشکلات پیچیده رشد ادبیات مدرن عرب محسوب می‌شود، مشکلاتی که تحت تأثیر مجموعه‌ای از تأثیرات و روابط خارجی و نیز وابستگی‌های قوی به گذشته پدید آمده‌اند. با توجه به موانعی که ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که توانایی ادبیات تطبیقی در زبان عربی برای روبه‌رو شدن با چالش‌های موجود تا حدی به پیشرفت این رشته در سطح بین‌المللی وابسته

^۱ Arab Comparative Literature Association (ACLA)

^۲ گزارش‌هایی از این مباحثات در نشریات ادبی سوری (۱۹۸۶-۱۹۸۷) به چاپ رسید. چکیده‌ای از این گزارش‌ها را می‌توان در *المعرفة* (سپتامبر ۱۹۸۶) و *الأسبوع الأدبی* (۲۴ ژوئیه ۱۹۸۷) دید. گزارش مستند دکتر حسام الخطیب از دومین همایش انجمن ادبیات تطبیقی عرب را می‌توان در *مجلة جامعة دمشق* یافت: دکتر حسام الخطیب. «المؤتمر الثاني للرابطة العربية الأدب المقارن». *مجلة جامعة دمشق* (مجلة نقد دانشگاه دمشق). شماره ۷، سپتامبر ۱۹۸۶.

است. از ظواهر امر چنین بر می‌آید که مطالعات تطبیقی در معنای وسیع‌تر آن به‌خوبی در جهان عرب جا افتاده است و آینده‌ای روشن دارد.

منابع

- ابوسعود، فخری. «الأثر الاجنبی فی الأدبین العربی و الانجلیزی». الرسالة، ع ۱۶۸، س ۴، ۱۹۳۶/۹/۲۱. و سلسله مقالاته فی الرسالة، ۱۹۳۵-۱۹۳۷.
- براور، اس. اس. الدراسات الأدبیة المقارنّة. مدخل. تر. عارف حدیفه. دمشق: وزارة الثقافة، ط ۱، ۱۹۸۶.
- البستانی، سلیمان. الإلیاذة. مصر: دارالهلل، ۱۹۰۴.
- حمیدة، عبدالرزاق. فی الأدب المقارن. القاهرة: مطبعة العلوم. فبرایر ۱۹۴۸.
- الخالدی، روحی. تاریخ علم الأدب عند الإفرنج و العرب و فیکتور هوکو. مصر: دارالهلل، ۱۹۰۴ - ط ۱، ۱۹۱۲ - ط ۲، دمشق: ۱۹۸۴ ط ۴، تحریر حسام الخطیب مع المقدمة.
- الخطیب، د. حسام. الأدب المقارن. ج ۱ فی النظرية والمنهج، ج ۲ تطبیقات. دمشق: جامعة دمشق، ۱۹۸۱.
- روحی الخالیدی، رائد الأدب العربی المقارن. عمان: دارالکرمل، ۱۹۸۵.
- «الأدب المقارن بین التزمت المنهجي والانفتاح الإنساني». المعرفة. دمشق، ع ۲۰۴، ۱۹۷۹/۲، ع ۲۰۵-۲۰۶، ۳-۱۹۷۹/۴، ع ۲۰۷، ۱۹۷۹/۵.
- «ملتقى الأدب المقارن فی عناية: هل يكون بدءاً تاريخية». المعرفة. ع ۲۵۷، ۱۹۸۳/۷.
- «المؤتمر الثاني للرابطة العربية للأدب المقارن». مجلة جامعة دمشق، ع ۷، ۱۹۸۹/۹.
- آفاق الأدب المقارن عربياً و عالمياً. دمشق و بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۹۹۲.
- سلامة، ابراهیم. تيارات أدبية بین الشرق و الغرب، خطة و دراسة فی الأدب المقارن. القاهرة: مكتبة الانجلو-مصرية، ۱۹۵۱.
- شحید، د. جمال. «رینیة إیتامبل، من اعلام المدرسة الفرنسية الحديثة فی الأدب المقارن». ملحق الثورة الثقافية. دمشق، ع ۲۷، س ۲، ۱۹۷۷/۱۲/۱.
- عامر، عطیه. «تاریخ الأدب المقارن فی مصر». فصول. القاهرة، ع ۴، م ۳، ۱۹۸۳: ۳۱-۳۲.
- العقیقی، نجیب. من الأدب المقارن. مصر: دارالمعارف، ۱۹۴۸.

- علوش، سعید. «و فی الدراسة العربیة المقارنة.» *الأدب الاجنبیة*. ع ۵۱ و ۵۲، م ۱۴، ۱۹۸۷.
- غویار، م.ف. *الأدب المقارن*. تر. د. محمد غلاب. القاهرة: سلسلة ألف كتاب، ۱۹۵۶.
- فان تیغم، بول. *الأدب المقارن*. تر. سامی الدوری. القاهرة دارالفکر العربی، بلا تاریخ، الأرجح عام ۱۹۴۸.
- *الأدب المقارن*. تر. سامی مصباح الحسامی. صیدا- بیروت: بلا تاریخ.
- لیفن، هاری. *انکسارات: مقالات فی الأدب المقارن*. تر. عبدالکریم محفوظ. دمشق: وزارة الثقافة، ۱۹۸۰.
- نجم، د. محمد یوسف. «الفنون الأدبیة» و «الأدب المقارن» فی: *الأدب العربی فی آثار الدارسین*. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۶۱.
- هلال، د. محمد غنیمی. *الأدب المقارن*. القاهرة: مطبعة مخیم، ۱۹۵۳.
- هنداوی، خلیل. «اشتغال العرب بالأدب المقارن، أو ما يدعوه الفرنجة (La littérature comparée)» فی کتاب *تلخیص کتاب أرسطو فی الشعر لفیلسوف العرب أبی الولیدین رشد*. «الرسالة»، الأعداد ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، فی ۸ و ۱۷، و ۲۲، و ۱۹۳۶/۶/۲۹.
- Cahiers Algériens de Littérature Comparée*. Faculté des Lettres et Sciences Humaines, Alger, I, 1966.
- Etiemble, René. "Renouveau de la littérature comparée". tr. into Arabic by al-Katib al-Misri. VII. 28 January 1948: 646-649.
- Fanus, Wajih. "Sulayman al-Bustani and Comparative Literary Studies in Arabic". *Journal of Arabic Literature*. XVII, 1986: 105-117.
- Hilal, Mohamed Ghonemi. "Les étude de littérature comparée dans la République Arabe Unie". *Yearbook of Comparative and General Literature*. Chapel Hill: University of North Carolina Press, VII, 1959: 10-13.
- AlKhateeb, Hussam. "Ruhi al-Khalidi, A Pioneer of Comparative Literature in Arabic". *Journal of Arabic Literature*. XVIII, 1987: 81-87.
- Levin, Harry. *Refractions: Essays on Comparative Literature*. Oxford: Oxford University Press, 1969.
- Prawer, S.S. *Comparative Literary Studies: An Introduction*. London: Gerald Duckworth & Co Ltd., 1973.
- Remak, Henry. "Comparative Literature, its Definition and Function". in *Comparative Literature, Method and Perspective*. Stallknecht & Horsd Frenz Eds. Carbondale: Southern Illinois University Press, 1971: 153-172.
- Tutungi, Gilbert. "Comparative Literature in the Arab World". *Yearbook of Comparative and General Literature*. Chapel Hill: University of North Carolina Press, XII, 1964: 64-67.
- Weisstein, U. "Influence and Imitation". in *Einführung in die Vergleichende Literaturwissenschaft*. trans. William Riggan and Ulrich Weisstein. Bloomington: Indiana University Press, 1973.
- Wellek, René and Austin Warren. "General, Comparative and National Literature". in *Theory of Literature*. New York: Harcourt, Brace & World, 1956.